

۱. آری این چنین است که هر وقت نظم و نثری دلپذیر و شیرین و استوار به این زبان می‌خوانم و می‌شنوم، شادمان می‌شوم و زبان به تحسین می‌گشایم و هرگاه می‌بینم زبان یا خط فارسی، خوار شده و خدشه و خطری بر آن وارد آمده است، غمگین و تلخکام می‌شوم.
۲. سخن گفتن بیش از حد لزوم، همواره سیمایی محزون داشتن، و تجاوز به حریم قانون، کارهای ناپسندی است که در آداب و رفتار و اخلاق اسوه‌ی مهربانی‌ها نمی‌گنجد. ایشان همواره مهر و عطف داشت و از تجمل دوری می‌جست.
۳. اگر می‌خواهی دیگران به تو احترام بگذارند، اعلامیه‌ای را که درباره‌ی کشتن افراد پیر صادر کرده‌ای به گردن خرگوش بینداز و آن را با غله‌های مزرعه پر کن و به مجلس ترحیم برو و بگو: «من فرمان قبلی خود را لغو کرده‌ام، خداوند او را قرین رحمت خود کند!»
۴. ایشان پس از تدریس در حوزه‌ی علمیه‌ی نجف، ناگزیر به پاریس رفت تا نهضت مردم ایران را رهبری کند و پرچم مبارزه با ظلم و ستم کشورهای استعمارگر را برافراشته نگاه دارد. ایشان پس از درگذشت آیت‌الله العظمی بروجردی، به مرجعیت انتخاب شده بودند.
۵. یکی از مظاهر خدمات فرهنگی ایرانیان به اسلام، خدماتی است که از راه زبان فارسی به اسلام کرده‌اند. ادبا و عرفا و سخنوران ایرانی، حقایق اسلامی را با جامه‌ی زیبای شعر و نثر فارسی به نحو احسن آرایش داده‌اند.
۶. من به هیچ وجه قبول نمی‌کنم حرف‌ها و تحلیل‌های کسانی را که گاهی در برخی از مطبوعات یا رسانه‌ها از انحراف نسل جوان سخن می‌گویند؛ این طور نیست. اگر گاهی اشتباه و خطایی از جوان سر بزنند، با توجه به دل پاک و نورانی جوان، این اشتباه کاملاً قابل جبران است. این‌ها چرا صلاح و پارسایی و صداقت جوانان را نمی‌بینند، چرا شور و شعور جوانان را نمی‌بینند؟
۷. می‌گویند اسکندر در اثنای سفر به شهری رسید و از گورستان عبور کرد. سنگ مزارها را خواند و به حیرت فرورفت. زیرا مدت حیات صاحبان قبور که بر روی سنگ‌ها حک شده بود، حداکثر به ده سال می‌رسید.
۸. گفت پینمبر هر آن کو سر نهفت / زود گردد با مراد خویش جفت
۹. آدم و نوح و خلیل و موسی و عیسی / آمده مجموع در ظلال محمد
۱۰. دلم در آتش غفلت مسوزان / به معنی شمع جانم بر فروزان

املای هضم